

دبیر کمیته کردستان محمد آسگران
Tel: 00491635112025
E-mail: asangaran@aol.com

مسئول ارتباطات شهرهای کردستان عبدال گلپریان
Tel: 00358 405758250
E-mail: abdolgolparian1@gmail.com

ایسکرا

۵۷۱

اساس سوسیالیسم
انسان است.
سوسیالیسم
جنبش بازگرداندن
اختیار به انسان است.



منصور حکمت

www.m-hekmat.com

www.iskraa.net

نشریه کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران

سردبیر: عبدال گلپریان

۲۸ اردیبهشت ۱۳۹۰، ۱۸ مه ۲۰۱۱

چهارشنبه ها منتشر میشود

۱۰ روز هیجان انگیز در برزیل



مینا احدی

برزیل میشویم.
مقدمات اولیه ورود به کشور با توضیحات مختصری برای جوانی که پاسپورتها را کنترل میکنند، بدون دردمرست تمام میشود و ما میگوییم برای یک کنفرانس صفحه ۳

هوایمای ما در شهر سائوپالو ساعت شش صبح روز دوم ماه مه دوشنبه بر زمین مینشینند. برزیل برای من یک کشور نا آشنا است. از یکسال قبل و بدلیل کمپین بزرگ سکینه محمدی آشتیانی، رسانه های این کشور، مصاحبه های متعددی با فعالین این کمپین انجام داده و به نوعی رابطه نزدیکی با این کشور داشتیم. اما ورود به این کشور و دیدن مردم از نزدیک، یک واقعه هیجان آور است و من و پتی دویینتا که بعنوان یک هیئت از طرف کمیته بین المللی علیه سنگسار به برزیل آمده ایم، وارد سائوپائولو یکی از مهمترین شهرهای تجاری و صنعتی

بیستم ژوئن

روز حمایت از زندانیان سیاسی است! تمامی زندانیان سیاسی باید بدون قید و شرط آزاد گردند!

شکنجه و زندان متولد شده است و با خونریزی ادامه حیات میدهد! باید با خبر شوند که این حکومت از وحشت انقلاب و خیزش و قیام مردم حاضر است دست به هر جنایتی بزند تا ساعتی بر عمر کثیف خود بیفزاید! این حکومتی درنده است که در پرونده فردی و جمعی حاکمینش صدها فقره قتل عمد خوابیده است! جهانیان باید زجرنامه هزاران

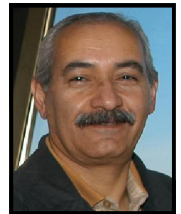
بیستم ژوئن روز عهد و پیمان دوباره ما برای آزادی بی قید و شرط زندانیان سیاسی و خاتمه دادن به دستگاه جنون و جنایت جمهوری اسلامی است!
مردم، آزادیخواهان، انسانهای شریف؛
جهانیان باید بدانند که این حکومت با جنایت و کشتار پابرجاست! باید بدانند که جمهوری اسلامی با چوبه دار و کشتار و

صفحه ۲

متن پیام مهوش علاسوندی مادر عبدالله و محمد فتحی

صفحه ۶

بیست ژوئن برای آزادی زندانیان سیاسی دو سؤال از عبدال گلپریان



آوات فرخی: بیست ژوئن روز مبارزه و اعتراض علیه رژیم جمهوری اسلامی و برای آزادی زندانیان سیاسی است. در خارج کشور اعتراض، تظاهرات و آکسیون علیه جنایات حکومت اسلامی

توسط جنبش سرنگونی طلب همیشه وجود داشته است. اما دو سؤال مطرح است
اول اینکه، در داخل کشور چگونه میتوان برای آزادی زندانیان سیاسی دربند اعتراض کرد و آنرا سازمان داد، چنین اعتراض و مبارزه ای در داخل کشور چقدر عملی و ممکن است؟ و سؤال دوم اینکه، بطور مشخص در شهرهای کردستان مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی از چه ظرفیتی برخوردار است؟

عبدال گلپریان: سالهاست که اعتراض و مبارزه علیه حکومت اسلامی و برای بزیر کشیدن این رژیم و کل دم دستگامی که بانی فقر، فلاکت و جنایت حاکمان اسلامی است، مردم آزادیخواه داخل و خارج کشور را بهم گره زده است. مبارزه برای خلاصی از شر سود و سرمایه و برای خلاصی از جنایات دیکتاتورهای مادام العمر اکنون دیگر به مبارزه ای فرا کشوری تبدیل

صفحه ۲

دستگیر شدگان اول مه سندج از زندان آزاد شدند مراسم استقبال از بازداشت شدگان اول مه بخاطر آزادی آنها از زندان

سندج احضار و بازداشت شده بودند از زندان آزاد شدند. وفا قادری و یدالله قطبی در قبال وثیقه ۵۰ میلیون و ۳۰ میلیون تومانی و خالد حسینی و غالب حسینی در قبال وثیقه ۵۰ میلیون تومانی از زندان آزاد شده اند.

صفحه ۴

اول مه، بعد از اولتیماتوم دادن ها و اعتراض به دستگیری این کارگران و دفاع از حق برپایی اول مه بعنوان حق پایه ای کارگران، در روزهای ۲۱ و ۲۲ اردیبهشت غالب حسینی، وفا قادری، یدالله قطبی و خالد حسینی که روز دهم اردیبهشت از سوی ستاد خبری اداره اطلاعات



سرانجام بعد از ده روز اعتراض و مبارزه برای آزادی دستگیر شدگان

محمد و عبدالله فتحی در زندان اصفهان اعدام شدند!

آخرین پیام دو برادر به مادرشان: برای ما عزاداری نکنید. به این جنایت در همه جا اعتراض کنید!

علیه خود شده و با پرونده سازی جنایتکاران اسلامی تا پای جوخه دار رفتند.

سحرگاه خونین روز سه شنبه ۱۷ ماه مه، در زندان اصفهان صفحه ۶

محمد و عبدالله ۲۷ و ۲۸ ساله روز سه شنبه ۱۷ ماه مه در زندان اصفهان اعدام شدند. خانواده این دو جوان به مردم ایران و دنیا اعلام میکنند که فرزندان آنها، با شکنجه و تهدید به تجاوز، مجبور به اقرار



آزادی، برابری، حکومت کارگری!

از صفحه ۱ دو سؤال از عبدال گلپریان ...

زندانیان سیاسی در بند تبدیل کنند.

روز حمایت از زندانیان سیاسی ...

از صفحه ۱

شده است و موقعیت جغرافیایی چیزی را توضیح نمی دهد. امروزه دیگر داخل و خارج بهم وصل هستند و جنبش سرنگونی در هر گوشه ای از دنیا برای سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی دارای خواستههای مشترکی است.

دهها اعتراض کوچک و بزرگ دیگر کامکان زدن نبض خیزش انقلابی سال ۸۸ را نشان می دهد که همچنان پابرجا و زنده است و کوتاه نمی آید.

از این رو مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی را باید بر بستر شرایط و اوضاع سیاسی امروز مورد توجه قرار داد. خواست و شعار آزادی زندانیان سیاسی مطالبه ای جدید برای مردم نیست بویژه در سال ۸۸ یکی از شعارهای هر روزه مردم در تجمعات و تظاهراتهای خیابانی، "زندانی سیاسی آزاد باید گردد" بود.

از نظر اعتراض و مبارزه علیه رژیم اسلامی حول خواست آزادی زندانیان سیاسی، تجربه ۲۵ اردیبهشت امسال دستاورد ارزشمندی است. همانگونه که دانشجویان ۳۶ دانشگاه در سراسر کشور روز ۲۵ اردیبهشت را روز اعتصاب سراسری علیه فضای سرکوب و اختناق و اعتراض به جمهوری اسلامی در دانشگاهها اعلام کردند، در بیست و نهم نیز می توان با فراخوان و هماهنگی و همراهی با این حرکت برای آزادی زندانیان سیاسی متحد و قدرتمند به میدان آمد. خواست آزادی زندانیان سیاسی بر بستر فضای سیاسی موجود در ایران، خواست و مطالبه ای همگانی به وسعت سراسر کشور است. هیچ خانواده ای در ایران یافت نمی شود که یک یا چند نفر از عزیزانشان در زندانهای جمهوری اسلامی اسیر نباشد، هیچ خانواده ای را در ایران سراغ ندارید که عزیز یا عزیزانشان توسط جانیان اسلامی در این سه دهه اعدام و سر به نیست نشده باشد.

تاریخ اعتراض و مبارزه مردم برای رهایی از نکتت حکومت اسلامی مملو از تجارب، سازماندهی و ابتکارات مختلف بوده است. جنبشهای اجتماعی مختلف از هر طبقه و قشری در ایران زندانی سیاسی دارد و از این پتانسیل برخوردار است که در هماهنگی با هم نه تنها در روز بیست و نهم بلکه به هر مناسبت دیگری متحدانه و یک صدا خواست آزادی همه زندانیان سیاسی را با تجمع، اعتراض، اعتصاب و تظاهرات به حرکتی برای آزادی همه

در پاسخ به سؤال دوم باید بگویم که در شهرهای کردستان علیرغم میلیتاریسم موجود، ما شاهد تجمع و اعتراض مردم در مقابل زندانهای رژیم اسلامی در جلوگیری از حکم اعدام زندانیان سیاسی بوده ایم. ممانعت از اجرای حکم اعدام حبیب لطیفی و شیرکو معارفی و مواردی از این قبیل که در سالهای قبل اتفاق افتاده است، کارنامه درخشان مردم بویژه در سنجند و در مقابل حاکمان جنایت پیشه اسلامی بوده است. اعتراض و مبارزه مردم در شهرهای کردستان علیه رژیم اسلامی بی وقفه در جریان بوده است. تجمع و اعتراض مردم و خانواده های کارگران زندانی اول مه در هفته گذشته نمونه برجسته ای از این مبارزه بود که با پافشاری و تجمعات و اعتراضات هر روزه مردم و خانواده های کارگران زندانی، نهادهای ضد بشری حکومت را وادار کرد که کارگران زندانی را از زندان آزاد کند. اما وقت آن است که همین اعتراض و مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی را در قامتی توده ای و در سطح اعتراض اجتماعی وسیعتری بکار گرفت. در شهرهای کردستان و برای آزادی زندانیان سیاسی میتوان کارهای بزرگتری کرد. در شهرهای کردستان و در ارتباط با مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی، بخشهای مختلف مردم دست بازتری برای حرکت در این روز و به این مناسبت دارند. اعتصاب سراسری سال گذشته مردم در سراسر کردستان و در اعتراض به اعدام فرزند کمانگر و چهار نفر دیگر از زندانیان سیاسی نشان داد که میتوان متحد و یکپارچه در مقابل اویاشان اسلامی حاکم بر ایران ایستاد و مبارزه ای ادامه دارتر را برای آزادی زندانیان سیاسی به پیش برد. نمونه های دیگری از این نوع اعتراضات در کارنامه مبارزاتی مردم در شهرهای کردستان وجود دارد. قطعاً و با توجه به ظرفیت بالای اینگونه حرکتیهای اعتراضی در کردستان، از اعتصاب و اعتراض و تجمع خیابانی گرفته تا تجمع در مقابل زندانها، می توان روز بیست و نهم در شهرهای کردستان و با خواست آزادی همه زندانیان سیاسی در ظرفیت یک حرکت توده ای و قدرتمند به میدان

زندانی سیاسی را در طی عمر پرنکتت جمهوری اسلامی بشنوند و از حقایق هولناک این حکومت آدمکش با خبر شوند. این صدای رسای ماست که جهانیان را، میلیونها انسان شریف و نوعدوست را درکنار ما قرار میدهد تا امر دفاع فوری و اضطراری از هزاران زندانی سیاسی و صدها عزیز که هر آن چوبه دار زندگیشان را تهدید میکنند را میسر کند. یورش و گروگان گیری دایمی از میان مخالفان سیاسی، رفتار وحشیانه با زندانیان سیاسی، اخبار هولناک اعدامهای دسته جمعی، کسب و کار هر روزه این حکومت است.

بیستم ژوئن فقط یکروز نیست! یک کمپین وسیع برای سازمان دادن جنبشی اعتراضی است که میخواید جهان متمرد را برای پشتیبانی از خواست آزادی بی قید و شرط زندانیان سیاسی در ایران بسیج کند! واکنشی بین المللی نسبت به خطرات جدی که جان عزیزان ما را در زندانهای جمهوری اسلامی تهدید می کند، ایجاد نماید. بیستم ژوئن درعین حال سمبل اتحاد و عهد و پیمان ما برای آزادی بدون قید و شرط زندانیان سیاسی و پایین کشیدن چوبه های دار است!

مبارزات زندانیان سیاسی در سیاهچالهای مخوف اوین و رجایی شهر و همه زندانهای بشمار

جمهوری اسلامی حماسه ای عظیم است. این مبارزات شورانگیز لایق بزرگترین حمایت های و پشتیبانی های بین المللی است! هزاران زندانی سیاسی و خانواده های مضطرب و نگرانشان چشمشان به اقدامات بین المللی ماست.

شما میتوانید در این روز در اشکال متنوع از زندانیان سیاسی در ایران حمایت کنید.

برپایی تظاهرات در مقابل سفارتخانه های رژیم اسلامی؛

ارسال نامه اعتراضی به رژیم و نامه به سازمانهای بشردوستانه؛

برگزاری شب همبستگی با زندانیان سیاسی در ایران؛

فشار به دولت کشورهای محل اقامتتان برای واکنش نشان دادن به جنایات رژیم و محکوم کردن آن؛

افشای رابطه با جنایات رژیم و آگاهگری در میان مردم کشور محل اقامتتان؛

با دهها ابتکار دیگر شما میتوانید روز بیستم ژوئن را با قدرت هر چه بیشتر برگزار نمایید!

در بیستم ژوئن امسال یکبار دیگر اعلام میکنیم:

زندانیان سیاسی باید بلادرنگ و بدون قید و شرط آزاد گردند.

اعدامها باید فوراً متوقف شوند.

کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی

۲۰ آوریل ۲۰۱۱

۳۱ فروردین ۱۳۹۰

بزنیم. تجربه انقلابات چند ماه اخیر در کشورهای عربی و شمال آفریقا نشان داد که با به میدان آمدن و با تجمعات قدرتمند و توده ای می توان با خواست آزادی همه زندانیان سیاسی، جانیان حاکم را ناچار کرد که زندانیان سیاسی را آزاد کنند.

تداوم و گسترش چنین حرکتی و در قامتی سراسری و قدرتمند در ایران می تواند چشم انداز به زیر کشیدن حکومت اسلامی، کل دم و دستگاه رژیم، برچیدن بساط زندان، اعدام و خاتمه دادن به فقر و فلاکت و کل جنایت این رژیم را به با خود به همراه داشته باشد.

آمد. بی گمان فعالین و رهبران جنبشهای اجتماعی در کردستان در جهت سازمان دادن اینگونه حرکتیهای اعتراضی وظیفه مهمی بر عهده دارند و بخوبی قادرند به مردم فراخوان داده و این حرکت را سازمان دهند.

هنوز فعالین کارگری در زندان هستند، دانشجویان، فعالین جنبش زنان و دیگر فعالین سیاسی عقیدتی در شکنجه گاههای رژیم اسلامی بسر می برند. ما مردم، ما کارگران، دانشجویان، جوانان و همه زنان و مردان آزادیخواه می توانیم متحدانه برای آزادی زندانیان سیاسی دست به اعتراض و مبارزه

از صفحه ۱ ۱۰ روز هیجان انگیز ...



مطبوعاتی و سخنرانی به این کشور آمده ایم و وارد سالن ترانزیت فرودگاه می‌شویم. هوای گرم و جمعیت زیادی که در این صبح زود در فرودگاه هستند، بیشتر تصویر کشوری توریستی را میدهد و تعداد زیادی با در دست داشتن اسامی و علامتهایی دنبال مهمانان خود آمده اند. در دست یک راننده که برای انتقال ما آمده اسم "خانم پترا" را می بینیم و بسوی او میرویم. با یک ماشین و با محافظت کامل وارد شهر ساتوپائولو می‌شویم.

هوای گرم و جمعیت زیاد و ترافیک فشرده، مرا یاد تهران می اندازد. به سالهای دور، به بیش از سی سال قبل باز میگردم و خاطرات تلخ و شیرین خودم در تهران را مرور میکنم.

راننده جوان، هر جا که ماشین بدلیل ترافیک توقف میکند، توضیح میدهد امروز یک مسابقه ماشین سواری هست و به این دلیل ترافیک بسیار سنگین است و بعد از این توضیح به فیس بوک و اینترنت سر میزند و خودش را مشغول میکند. نیمه راه هستیم و یکباره راننده که به زبان انگلیسی کاملاً مسلط است، میگوید اینجا در فیس بوک نوشته، بن لادن را آمریکا به قتل رساند... و من میپرسم، دیگر چه نوشته، کجا و چگونه و او پاسخ میدهد بیش از این چیزی نگفته.

به پتی میگویم، از بس مسافرت میکنم، همه وقایع مهم این چینی را در فرودگاهها و یا در حال سفر می شنوم. ۱۱ سپتامبر را در فرودگاه کلن بودم که اتفاق افتاد و خبرش را شنیدم، فاجعه ژاپن را روز ۱۲ مارس ۲۰۱۱ در فرودگاه تورنتو بودم که در صفحه تلویزیون دیدم و

دو چرخه و... را میفروشد. در شهر ساتوپائولو کاملاً میتوان دید که شهر به دو قسمت تقسیم شده، محلات فقیر نشین و مردمی که با فقر و نداری دست و پنجه نرم میکنند و بخش دیگری که ثروت و امکانات دارند و احساس من اینست که بویژه با رشد روز افزون بخش متوسط در این جامعه روبرو هستیم.

دو تلفن همراه پائولو مدام زنگ میزند و او مشغول حرف زدن است و سپس میگوید که تلویزیون سراسری برزیل به اسم "گلوبو" میخواهند با مینا مصاحبه کند و ما باید به هتل برگردیم آنها آمده اند. از من میپرسد میخواهی برگردیم و مصاحبه کنی و یا اینکه نهار برویم و به آنها بگویم نیستی. تعجب میکنم و میگویم من برای کار سیاسی آمده ام و حتماً میخواهم برگردیم هتل. لبخند میزند و نفس راحت میکشد و ما همه برمیگردیم. در هتل، دختر جوان و زیبایی را ملاقات میکنیم، مسئول مطبوعاتی بنیاد ملینیوم، او همه مصاحبه ها را سازمان داده و رابط با مطبوعات است.

تیم تلویزیون با مسئولین هتل حرف میزنند و میخواهند جای خوبی برای مصاحبه داشته باشند، برخلاف اروپا، می بینم همه چیز بسیار ریلکس و بدون تشریفات پیش میرود. مسئولین هتل کمک میکنند و مقررات مانع هیچ رابطه انسانی نیست. جای مصاحبه تعیین میشود و آماده ضبط می‌شویم. دختر جوان و زیبایی با من مصاحبه میکند و سپس با علاقه و احترام من و پتی را که مصاحبه را از آلمانی به انگلیسی ترجمه میکرد، در آغوش گرفته و میگوید شما کار مهمی انجام میدید.

بعد از این مصاحبه دیگر بیش از ۲۸ ساعت است که نخوابیده ایم. همه برنامه ها را کنسل میکنیم و استراحت میکنیم.

روز بعد کنفرانس ملینیوم در دانشگاه ساتوپولو است. صبح زود آماده می‌شویم و ساعت یک ربع به نه باید آنجا باشیم. مسئولین امنیت ما را به دانشگاه میبرند. دانشگاه روبروی هتل محل اقامت ما است.

درب سالن سخنرانی پر از جمعیتی است که باید خود را معرفی کرده و کارت شناسایی

دریافت کنند. در همانجا، پائولو تویل، ما را به چند نفر از مسئولین سازمان خودشان و تعدادی از سخنرانان معرفی میکند و سپس به من میگوید مینا باید ترا با سفیر قبلی برزیل در آلمان آشنا کنم. مردی ۶۵ ساله و مسلط به زبان آلمانی. سپس با چند نفر از استادان دانشگاه آشنا می‌شویم و قبل از شروع کنفرانس دو مرد خوشرو بطرف ما می آیند. ما مترجمین شما هستیم. از آلمانی به پرتغالی و برعکس. سخنرانی من مستقیم ترجمه میشود و در طول این کنفرانس این دو نفر، همه مباحثات را برای من و پتی به آلمانی ترجمه میکنند.

راس ساعت نه صبح کنفرانس آغاز بکار میکنند. ابتدا چند سخنرانی افتتاحیه کوتاه از سوی لوتیز آلبرتو ماچادو و روبرتو سوینا انجام میشود و سپس اولین پانل کارخود را شروع میکنند. من و پائولو و خاویر الهاگ مسئول بنیاد حقوق بشر از امریکا در پانل اول هستیم. اولین سخنران کنفرانس من هستم، و حرفهایم را شروع میکنم.

به قیافه حاضرین نگاه میکنم. همه ساکت و با علاقه گوش میدهند. در پایان، تشویق میکنند و تعدادی از جا بلند میشوند.

بعد از من، سخنرانی خاویر الهاگ که به دلیل ترافیک دیر به محل کنفرانس رسیده و روشن کردن کامپیوترش هم مدتی طول میکشد

و در نتیجه با کمی اضطراب سخنرانیش را شروع میکند و در مورد تعریف از دموکراسی و منظور از دموکراسی حرف میزند. او میگوید خیلی از دولتهای دیکتاتور امروز اسمشان حکومت دموکراتیک... است ولی باید امروز روشن کنیم منظور از دموکراسی چیست. سپس پانل او به سوالات حاضرین پاسخ میدهد. اینجا می بینم که دیگر مثل آلمان و انگلیس و... کمونیسم تابو نیست. حرف زدن از نین و مارکس، با تردید انجام نمیشود و راحت میتوانید حرف بزنید و بحث کنی و... یکساعت این مباحثات جذاب ادامه می یابد.

کنفرانس با چهار پانل دیگر تا عصر ادامه دارد. از من دعوت میشود که به سالن مطبوعات بروم و مصاحبه هایی را که تیم مطبوعات ملینیوم ارگانیزه کرده

انجام دهم. در یک سالن بزرگ چندین کامپیوتر و لپ تاب و چندین خبرنگار نشسته و دارند گزارش و عکس مخابره میکنند. مصاحبه ها شروع میشود.

با یک تیم دیگر از تلویزیون سراسری، با یک خبرنگار از رادیوی سراسری برزیل، با تیمی از خبرنگاران اتحادیه کارگری فلزکاران که میگویند تلویزیون مستقل خودشان را دارند و در حال تهیه یک فیلم مستند در مورد ایران هستند و با یک جمع از زنانی که در حال سازمان دادن کنفرانس بین المللی زنان هستند و... همه مصاحبه ها از آلمانی به پرتغالی ترجمه میشود با کمک دو مترجم حرفه ای که آنجا هستند.

تا عصر روز سه شنبه ۳ ماه مه، بیش از ده مصاحبه انجام میدهم و بعضاً در سالن به سخنرانیهای دیگر گوش میدهم. و عصر روانه هتل می‌شویم.

روز چهارشنبه باید ساعت ۱۱ صبح به ریو دو ژانیرو پرواز کنیم و در آنجا خود را برای یک سخنرانی در دانشگاه ریو آماده کنم و از همانجا روز پنجشنبه ۵ ماه مه باید به برازیلیا پرواز کنیم برای انجام چندین ملاقات با مقامات دولت برزیل.

پرواز بین ساتوپائولو و ریو دو ژانیرو بیش از یکساعت است و همراهان ما میگویند، ریو دو ژانیرو یکی از زیبا ترین شهرهای دنیا است.

از فرودگاه به هتل محل اقامت ما، راننده بنا به درخواست همراهان ما از موسسه ملینیوم ما را در شهر کمی میگرداند و توضیحاتی در مورد این شهر و زیباییهای خیره کننده آن میدهند.

به هتل میرسیم و برنامه روز بعد را دریافت میکنیم. صبح زود ساعت شش باید آماده پرواز به برازیلیا شویم.

یکساعت و نیم پرواز به برازیلیا پایتخت طول میکشد و ما وارد پایتخت کشور برزیل می‌شویم.

اولین ملاقات با وزیر حقوق بشر برزیل است. در وزارت حقوق بشر، خبردار می‌شویم که روزنامه اصلی شهر، نوشته که مینا احدی با یک تیم همراه امروز وارد پایتخت شده و با مقامات دولتی نشست هایی دارد. در دفتر کار ماریا دو روزاریو

از صفحه ۳ ۱۰ روز هیجان انگیز ...

می‌تواند احدی را ملاقات می‌کند. همراهان برزیلی ما که همه این افراد را می‌شناسند به من می‌گویند او فرد مهمی است در حقیقت مغز متفکر روابط خارجی است. اما می‌شنوم در عین حال او می‌آید که از سیاست لولا رییس جمهور قبلی در مورد ایران و حکومت اسلامی دفاع کند. یکی از همراهان من که برزیلی است می‌گوید می‌تواند در این نشست، باید نسبت فرهنگی را شکست دهد. اینجا این نظریه به بن بست کامل رسیده و اینجا باید تیر خالص به این سیاست زده شود.

ساعت پنج عصر ملاقات با وزارت امور خارجه است و ما در چند ساعت باقیمانده کمی اخبار برزیل و رسانه‌ها را چک می‌کنیم. انعکاس مطبوعاتی مصاحبه‌ها بسیار زیاد است. در همان چند ساعت، یک مصاحبه مفصل با نشریه اکونومیک برزیل می‌کنم.

یک ربع به پنج عصر به محل وزارت امور خارجه میرسیم. پائولو ثویل مسئول ملیوم و یک زن جوان از همین موسسه ما را همراهی می‌کنند. در طبقه اول با معرفی کردن خودمان به مسئولین امنیت، متوجه میشوم که چندین شبکه تلویزیونی در محل وزارت امور خارجه مستقر هستند و خبرنگاران با دوربین‌های عکاسی در محل ایستاده و گویی یک خبر مهمی اینجا هست. با لحن شوخی به پتی دوینتا می‌گویم بین چقدر خبرنگار برای ما آمده اند و او لیخند می‌زند و می‌گوید نه فکر می‌کنم ادامه همان موضوع اعتراض است که در سنا دیدیم، بدلیل اعتراض سرخ پوستان این رسانه‌ها اینجا هستند.

کارت شناسایی میدهم و در حال گذر از بخش کنترل هستیم که یک لحظه برمیگردم و به جمع خبرنگاران نگاه می‌کنم که می‌بینم فلاش‌ها زده می‌شود و در یک لحظه دهها عکس می‌گیرند و از همراه خودمان می‌پرسم، چه خبر است و او می‌گوید ملاقات را مقامات دولتی به رسانه‌ها اعلام کرده اند و خبرنگاران برای مصاحبه با تو آمده اند. وارد سالنی میشوم که خبرنگاران آنجا هستند و اولین سوال مطرح می‌شود، همراه برزیلی ما که مسئول ارتباط با رسانه‌ها در برازیلیا پایتخت برزیل است، به خبرنگاران می‌گوید الان خانم احدی

اکنون یک تیم از ایران وارد اینجا شدند. می‌تواند احدی مسئول کمیته علیه سنگسار است، شما اسم سکینه را حتما شنیده‌اید. این کمیته علیه سنگسار فعالیت می‌کند و بسیار مهم است که از این مبارزات حمایت کنیم. همه حاضرین به ما نگاه می‌کنند و این برای همه ما جمعی که وارد سالن شده ایم بسیار جالب است.

در اطاقی مجاور محل جلسه ملاقات انجام می‌گیرد و سناتور پام قول میدهد که قطعنامه ای علیه سنگسار و در محکومیت نقض حقوق انسانی بدهند و سپس می‌گوید یک نسخه از این قطعنامه را برای شما می‌فرستم که بدانید فقط حرفش را نزد بلکه واقعا این کار را می‌کنیم.

بعد از صرف نهار در یک رستوران، به محل سومین ملاقات میرویم. از بدو ورود ما به برزیل رسانه‌های اینجا از اینکه بنیاد ملنیوم خواهان ملاقات دیلما روسوف با می‌تواند احدی شده در این مورد حرف می‌زنند. صبح روز ۴ ماه مه تلویزیون سراسری در برنامه ویژه در مورد بن لادن، در مورد سفر من به برزیل حرف زده و با تعدادی در این مورد مصاحبه می‌کند و گوینده اعلام می‌کند که می‌تواند احدی و دیلما روسوف احتمالا ملاقات می‌کنند و در مورد اینکه داستان زندگی این دو نفر شبیه به هم است حرف می‌زنند و اینکه روسوف قبلا پارتیزان بوده، ۲۳ روز زندانی و تحت شکنجه شدید بوده و ... حرف می‌زنند.

هنوز معلوم نیست که آیا ملاقات با رییس جمهور انجام می‌گیرد یا نه. مسئولین ملنیوم می‌گویند رسانه‌ها فشار زیادی آورده اند که ملاقات باید انجام گیرد و هنوز دفتر رئیس جمهور پاسخ منفی و یا مثبت نداده و ظاهرا در حال بررسی هستند.

چند ساعت به پایان روز نمانده و از سوی وزارت امور خارجه با مسئولین ملنیوم تماس می‌گیرند و اعلام می‌کنند که بدلیل اینکه رییس جمهور آلمان اینجاست، و روسوف ملاقات با وولف و همسرش، دارد، ملاقات با می‌تواند احدی امکان پذیر نشده ولی گارسیا از مقامات مهم دولت برزیل و از وزارت امور خارجه

چند زن جوان کار می‌کنند و که ما را با گرمی می‌پذیرند و قهوه ای می‌نوشیم و سپس وارد دفتر کار وزیر میشویم. او با گرمی عجیبی از ما استقبال می‌کند و از همان بدو ورود می‌خواهد مرا در آغوش گرفته و خوشامد بگوید. با کمی تردید دست میدهم و رفتارش بسیار متفاوت از سیاستمدارانی است که تا کنون ملاقات کرده ام. مذاکرات شروع میشود.

من کمی در مورد سکینه حرف می‌زنم و اینکه باید کاری کنیم که سکینه آزاد شود... سپس در مورد سیاست دولت برزیل و اینکه باید جمهوری اسلامی ایران منزوی شود حرف می‌زنم.

او می‌گوید، نه به عنوان وزیر بلکه به عنوان یک شهروند، قبلا کمپین نجات سکینه را حمایت کرده و طومار اعتراضی را امضا کرده است. می‌گوید دیلما روسوف رسماً به من گفته که به شما بگویم به برزیل خوش آمدید و هر کمکی از دست ما برآید خواهیم کرد. او به حرفهای من در مورد اعدامهای گسترده در ایران، اعدام کودکان و یا زانی چون شهلا جاهد، با دقت گوش میدهد و چشمهایش پر از اشک میشود و با علاقه و محبت اعلام می‌کند که از ما حمایت می‌کند. در پایان گفتگو از اینکه با دقت فراوان و چشمهایی پر از اشک و با احساس تمام به حرفهایم گوش داد از او تشکر می‌کنم. خبرنگاران وارد سالن میشوند و به عکس گرفتن و انجام مصاحبه با من و او مشغول میشوند... اولین ملاقات که ساعت ۱۱ صبح شروع شده حدود یکساعت طول میکشد.

بعد از این باید به محل سنای برزیل برویم و سناتور پائولو پام را ملاقات کنیم. یک همکار سناتور ما را همراهی می‌کند و ابتدا وارد سالنی میشویم که بیش از صد نفر در آنجا نشسته اند و یک پانل و از جمله سناتور در حال انجام مذاکره و سخنرانی هستند. می‌شنویم که تعدادی از مردمی که مشکلاتی دارند اینجا هستند و مذاکرات در مورد مشکلات و اعتراضات این مردم است. وارد سالن سخنرانی میشویم و سناتور از پشت بلند گو می‌گوید.

دستگیر شدگان اول مه سنندج ...

از صفحه ۱



گفتند و با این کار یک بار دیگر اول مه روز جهانی کارگر، روز آزادیخواهی و برابری طلبی را ارج گذاشتند.

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری آزاد شدن این عزیزان را از زندان به خانواده هایشان، به مردم مبارز شهر سنندج و همه انسانهای آزادیخواه تبریک می‌گوید و خواهان لغو پرونده های تشکیل شده برای آنان و آزادی فوری و بدون قید و شرط همه کارگران زندانی و تمامی زندانیان سیاسی از زندان است.

جمهوری اسلامی زیر فشار تجمعات هر روزه خانواده های این کارگران و حمایت دیگر کارگران و مردم سنندج و زیر فشار اول مه با شکوهی که در سنندج برگزار شد، ناکرئیز به آزادی این کارگران از زندان شد.

بنا به گزارش، روز ۲۳ اردیبهشت در اقدامی جالب بیش از صد نفر از خانواده های کارگران و مردم سنندج به همراه خانواده های کارگران دستگیر شده اول مه، پا در دست داشتن شعارهایی چون "هر گونه دستگیری و زندان

فعالین کارگری را محکوم می کنیم"، "تشکل حق ما کارگران است"، "آزادی کارگران زندانی را به جامعه کارگری تبریک می گوئیم"، در استقبال از این کارگران که از زندان آزاد شده بودند، مراسمی برگزار کرده و با شادی و نثار گل به آنان خوش آمد

مصاحبه نمی‌کنند منتظر اتمام مذاکرات باشید و بعد از آن یک کنفرانس مطبوعاتی است.

به طبقه بالا میرویم و ملاقات با گارسیا شروع میشود. مرد هفتاد ساله ای را روبروی خود می‌بینم که قصد دفاع از فعالیتهای دولت قبلی در رابطه با حکومت اسلامی دارد. یک همراه و یک منشی که همه مذاکرات را می‌نویسد.

ما چهار نفر هستیم و دو هیئت روبروی هم می‌نشینیم. او از اینکه رابطه آنها با احمدی نژاد و حکومت اسلامی ایران، با هدف تاثیر گذاشتن روی آنها بوده و اینکه سعی کرده اند مثلا در جریان دستگیری کوهنوردان آمریکایی کمک کنند اینها نجات یابند و .. حرف می‌زند و اینکه از کمپین نجات سکینه محمدی اُشتیانی، لولا رییس جمهور قبلی خیلی زود در این مورد

زنده باد اول مه
کمیته کردستان
حزب کمونیست کارگری ایران
۲۴ اردیبهشت ۱۳۹۰
۱۴ مه ۲۰۱۱

حرف زد و از سکینه دفاع کرد و ... حرف می‌زند و من از اینکه در ایران روزانه اعدام می‌کنند و سنگسار و جنایت جزئی از این سیستم فاشیستی است حرف می‌زنم و اینکه به این حکومت ابتدا نباید اعتماد کنند و آنها در مورد کمپین سکینه نشان دادند که به هیچ حرف دولت برزیل وقعی نمی‌نهند و جنایت جزو سیستم آنها است. من خواهان قطع رابطه دولت برزیل با جمهوری اسلامی ایران میشوم و از سرگذشتیهای حرف می‌زنم همچون فرزند کمانگر و یا شهلا جاهد و می‌گویم پاسخ این جنایات را چه کسی باید بدهد. می‌گویم مردم ایران علیه این جانباختگان هستند و ما می‌گوئیم که دست از حمایت از حکامت اسلامی باید برداشت واز مردم دفاع کرد.

بهر حال مذاکرات مفصلی است

از صفحه 4 **۱۰ روز هیجان انگیز ...**

انقلابی در مصر و تونس و لیبی و مبارزات گسترده مردم علیه دولتهای دیکتاتور و نظر ما در این مورد بود.

این سفر باعث شد یکبار دیگر ببینیم که مردم در سراسر جهان از انسانیت و آزادی دفاع میکنند و فشار مردم باعث شده که رسانه‌ها توجه ویژه‌ای به مبارزه علییه سنگسار و مبارزه علییه جمهوری جنایتکار اسلامی نشان دهند.

استقبال دولت برزیل از ما بسیار جالب بود و بقول یکی از سیاستمداران آنجا، یک علامت و سیگنال به جمهوری اسلامی بود و پاسخ من به یک خبرنگار در کنفرانس مطبوعاتی که پرسید آیا در این نشست‌ها به شما قولهایی داده شد که حکومت برزیل از شما دفاع کند و من گفتم مستقیم نه ولی همین که مرا در این سطح پذیرفتند یک علامت به احمدی نژاد و حکومتش دادند. و این علامت از سوی دولتی بود که یکی از مهمترین کشورها در امریکای لاتین است.

سفر ده روزه ما به برزیل، برای خود من یک اتفاق سیاسی مهم بود. استقبال کم نظیر مردم از مبارزات مردم ایران علییه یک حکومت فاشیست اسلامی، رسانه‌ها را به انعکاس وسیع این سفر و مصاحبه‌های متعدد با ما سوق میداد و در نهایت ملاقات با مقامات حکومتی نشان داد که دولت برزیل در صدد تغییر سیاست خود با حکومت اسلامی ایران است.

من در مصاحبه با یک روزنامه برزیلی گفتم که تصمیم در مورد قطع رابطه با ایران طبعاً یک تصمیم مهم از سوی دولت برزیل است، اما زمینه‌های این حرکت در این کشور فراهم است. این سفر آغاز کار ما بود که با توجه میلیونی مردم روبرو شد. باید این فعالیتها را ادامه داد و باید جمهوری اسلامی ایران را بعنوان یک حکومت آپارتاید جنسی و حکومت جنایتکار واقعا منزوی کرد. فقط یک نمونه از افشاگرهای هفته اخیر در ایران در مورد بی حقوقی زندانیان و جنایات این حکومت در زندانها کافی است که دستور دستگیری و محاکمه این جانین داده شود.

مینا احدی

کلن - ۱۱ مه ۲۰۱۱

سکینه محمدی آشتیانی بار دیگر به رسانه‌های برزیل رفت



کمپین نجات سکینه یکی از وقایع سیاسی مهم در سال گذشته بود. علییه سنگسار این بربریت و وحشیگری قرون وسطایی بسیاری از مردم جهان پیاخاسته و اعلام کردند که دیگر نمیگذارند کسی را در هیچ جای دنیا سنگسار کنند. این نقطه پایانی بر سکوت رسانه‌ها و دولتها در مقابل جنایت علییه بشریت یعنی سنگسار در قرن بیست و یک بود.

در برزیل رسانه‌ها در جریان کمپین نجات سکینه، اخبار این کمپین را وسیعاً منعکس کردند و بارها با فعالین این کمپین مصاحبه کردند و آکسیون‌هایی برای نجات سکینه در برزیل سازمان داده شد. سکینه بدنبال این کمپین به یک چهره آشنا برای مردم برزیل تبدیل شد. جمهوری اسلامی در مقابل این اعتراضات جهانی، دروغ گفت، شانتاژ کرد، قربانیان را با تهدید و فشار و شکنجه به صحنه تلویزیون آورد و رسانه‌های حکومتی همچون پرس تی وی در نقش بازجو ظاهر شدند و هر کاری توانستند کردند اما همه این تشییحات نتوانست جمهوری اسلامی را از زیر بار فشار افکار عمومی بین المللی علییه حکم سنگسار یا اعدام سکینه نجات دهد. حالا حکومت اسلامی در مورد سکینه خفقان گرفته و پرونده را عملاً مسکوت گذاشته است.

لازم به توضیح است که هوتن کیان وکیل سکینه در زندان مورد اذیت و آزار بیش‌رمانه‌ای قرار گرفته و حتی حکومت او را تهدید به اعدام کرد. اکنون طبق آخرین اخباری که به دست ما رسیده، هوتن را به ۱۱ سال زندان محکوم

صفحه 6

صحنه‌ای از حمایت دانشجویان دانشگاه ریودوژانیرو در برزیل از سکینه و هوتن کیان ۶ مه ۲۰۱۱ بدنبال سخنرانی مینا احدی روز اول ماه مه ۲۰۱۱ هیئتی متشکل از مینا احدی و پتی دوبیتاس از سوی کمیته بین المللی علییه سنگسار به برزیل رفته و در کنفرانسها و ملاقاتها، یکبار دیگر از ضرورت تلاش برای نجات سکینه محمدی آشتیانی صحبت کردند و مقامات دولت برزیل و دانشجویان و مخاطبین رسانه‌ها را به ادامه این تلاش فراخوان دادند.

این سفر به دعوت بنیاد ملنیوم در برزیل بود و مینا احدی روز سوم ماه مه، در یک کنفرانس در دانشگاه سانتوپاولو و روز ۶ مه در سخنرانی در دانشگاه ریو دو ژانیرو، در مورد اهمیت کمپین جهانی نجات سکینه و آخرین وضعیت او صحبت کرد و از شرکت کنندگان در این جلسات خواست کمپین را ادامه دهند و جمهوری اسلامی را برای لغو حکم سنگسار و اعدام سکینه و برای آزادی او تحت فشار قرار دهند. هیئت کمیته بین المللی علییه اعدام و سنگسار همچنین در ملاقات‌های خود با خانم ماریا د روساریو وزیر حقوق بشر، سناتور پاولا پیام مسئول کمیسیون حقوق بشر دولت برزیل و همچنین با مارکو آریلو گارسیا از مسئولین بلندپایه وزارت امور خارجه این دولت در مورد سکینه محمدی آشتیانی و هوتن کیان وکیل سکینه صحبت کرده و خواهان کمک مقامات دولت برزیل برای آزادی سکینه و هوتن کیان وکیل او شدند.

بزرگی است که رسانه‌ها چنین عکس‌العملی نشان میدهند. رییس موسسه ملنیوم میگوید یک روز مهم و یک روز پر از موفقیت. روز بعد در دانشگاه ریو دو ژانیرو یک مترجم آلمانی دارم که خانمی است که همسرش برزیلی است و او میگوید رسانه‌ها بسیار سمیاتی نشان میدهند و این بسیار جالب است. در سالن محل سخنرانی در دانشگاه ریو بیش از صد دانشجو و تعدادی استاد آمده‌اند. من سعی میکنم با ذکر مثال و خاطره به نحوی صحبت کنم که برای این جوانان که اکثر آنها دختران جوان هستند خسته کننده نباشد.

در مورد ایران و جوانان در ایران، در مورد سکینه و سنگسار و در مورد قوانین اسلامی حرف میزنم که ضد انسان و ضد حقوق زن هستند. بسیار استقبال میکنند و در پایان یکی از استادان که آلمانی هم بلد است میگوید خانم احدی اینجا طرفداران زیادی دارید و اینها اکنون میخواهند با شما همکاری کنند.

پتی با جوانانی که خواهان همکاری با ما هستند، صحبت میکند و قرار میشود که در اولین فرصت با آنها تماس گرفته و یک جمع ایران سولیدارتی در این دانشگاه تشکیل دهند.

آخرین جلسه در برزیل به پایان میرسد و ما یک روز در ریو دو ژانیرو وقت داریم و شهر و زیباییهای آنرا می بینیم از یک موزه و پارکی که همه درختهای دنیا را در آنجا کاشته‌اند و از مجسمه بزرگی بر بالای کوه و سپس روز یکشنبه ۸ ماه مه بسوی اروپا پرواز میکنیم. یک هفته پر از هیجان و پر از موفقیت.

رسانه‌های برزیلی مفصل در مورد این سفر و بویژه در مورد خواست قطع رابطه دولت برزیل با جمهوری اسلامی ایران با چاپ عکسهایی از احمدی نژاد حرف زدند. یک موضوع دیگر سرنوشت سکینه محمدی آشتیانی بود و اینکه دولت برزیل کماکان میخواهد برای آزادی سکینه اقداماتی را در دستور بگذارد. موضوع دیگر مرگ بن لادن و تاثیرات آن در جنبش اسلامی و بویژه مباحثاتی در مورد جنبش‌های

و در پایان او با محبت مرا در آغوش گرفته و میگوید برای فعالیتهای شما احترام قائل هستم و امیدوارم همدیگر را ببینیم و من میگویم شاید این بار در نقش رییس جمهور ایران به اینجا بیایم و دیگر احتیاجی به وقت ملاقات نباشد... و هر دو می خندیم.

از محل دفتر کار او با آسانسور پایان میرویم و می بینم خبرنگاران در یک اتاق هستند. همکار ما و مسئول رسانه‌ای هیئت ما به آنها میگوید الان میتوانید بیایید و مصاحبه کنید. یکبار تعداد زیادی هجوم می آورند و کنفرانس مطبوعاتی شروع میشود. ابتدا من حرف میزنم و بقول پتی یک سخنرانی میکنم و میگویم حکومت اسلامی یک حکومت فاشیست است و باید همه دولتها و از جمله دولت برزیل روابط خود با این حکومت را قطع کند میگویم که دولت قبلی و لولا احمدی نژاد را برادر و دوست خود خطاب کرد و این در اپوزیسیون جمهوری اسلامی و نسل فیس بک با موجی از اعتراض روبرو شد.

دیلما روسوف سنگسار را بربریت خواند و برزیل در ژنو علییه حکومت اسلامی رای داد و جوانان فیس بوکی گفتند آخرین دوست احمدی نژاد هم رفت. میگویم که در ایران یک جنبش عظیم علییه حکومت اسلامی در جریان است و باید از این مبارزات برای سرنگونی حکومت اسلامی دفاع کرد... سوال میکنند، خواست شما چه بوده. آیا بین سیاست دولت فعلی برزیل با دولت قبلی بنظر شما تفاوت هست. آیا اینها به شما قولهایی دادند. و... این کنفرانس مثل یک بمب خبری منفجر شد و فوراً در دهها شبکه خبری و رادیو و تلویزیون خبر این ملاقاتها منعکس شد و تیتتر بسیاری از این شبکه‌ها اینست: مینا احدی خواهان قطع رابطه دولت برزیل با جمهوری اسلامی ایران شد.

ما همان شب با عجله به فرودگاه رفته و در حالی که کم مانده پرواز را از دست بدهیم در آخرین لحظات به فرودگاه میرسیم و به ریو دو ژانیرو پرواز میکنیم. روز بعد جمعه در این دانشگاه سخنرانی دارم. برای مسئولین ملنیوم این موفقیت بسیار

متن پیام مهوش عباسوندی مادر عبدالله و محمد فتحی شورباریکی

محمد و عبدالله فتحی در زندان اصفهان...

از صفحه ۱

بعد، اعلام میکنند که هر دو را اعدام کرده اند.

اکنون در اصفهان و در منزل این دو جوان، صدای شیون و گریه مادر او و تعداد زیادی از مردم به گوش میرسد که شب را بیدار مانده و علیه این جنایت وحشتناک، علیه این شرارت جانین اسلامی حاکم بر ایران، شعار داده و با پلاکاردهایی در دست خواهان نجات جان این دو جوان بودند.

از دیروز که خبر این اعدام به بیرون درز کرد، هزاران نفر از طریق اینترنت و فیس بوک و تویتر به این حکم اعتراض کرده و در تلویزیون کانال جدید تعداد زیادی از مردم، با ابراز همدردی با خانواده این دو جوان و ابراز انزجار از خامنه ای و احمدی نژاد و سران جنایتکار اسلامی، خواهان لغو حکم اعدام دو برادر شدند.

جمهوری اسلامی ایران با این جنایت پرونده سیاه و قطور جنایتش را قطورتر کرد و نفرت و انزجار عمیقی را در اذهان و قلبهای میلیونها نفر بر جا گذاشت. این حکومت باید فوراً سرنگون شود. سران جنایتکار این دستگاه بیرحم و سنگدل اسلامی که راحت ترین کارش، قتل عمد و جنایت علیه جوانان است، باید فوراً دستگیر و محاکمه شوند.

کمیته بین المللی علیه اعدام به خانواده محمد و عبدالله صمیمانه تسلیت میگوید و خود را در غم و اندوه آنها شریک میدانند.

کمیته بین المللی علیه اعدام
۲۰۱۱مه ۱۷

جمهوری جنایت اسلامی دستش به خون دو جوان آلوده شد، که هیچ جرمی نداشتند. این دو برادر محمد و عبدالله فتحی در آبادان بعد از روی کار آمدن حکومت وحشت و ترور اسلامی و در جریان جنگ ایران و عراق به دنیا آمدند. ترس و وحشت از بیمار آنها و شرایط جنگی باعث شده بود که هر دو مشکلات روحی داشتند. پدر و مادر زحمتکش و فرهنگی آنها سه فرزند خود دو پسر و یک دختر را با زحمت و مراثت بزرگ کردند و روز سه شنبه در زندان اصفهان با سنگلی و شقاوت دو برادر و دو فرزند بیژن و مهوش فتحی را در حالیکه در مقابل در زندان تجمع اعتراضی برپا شده بود و در حالیکه مردم معترض با ماموران درگیر بودند، اعدام کردند.

در ابتدا به مردم گفتند که حکم اجرا نمیشود. مادر محمد و عبدالله صبح زود امکان پیدا میکنند وارد زندان شده و دو فرزندش را ببینند. او میگوید همه ما را که وارد زندان شدیم بازدید بدنی کردند و عبدالله و محمد را در حالیکه دستبند و پابند داشتند نزد ما آوردند. عبدالله از آنها میخواهد که اجازه دهند، مادرش را بغل کند. مامورین حکومت جنایت، مانع میشوند. رحیمی شکنجه گر آنها آنجا ایستاده بود و نگاه میکرد. مادرشان میگوید آخرین درخواست يك اعدامی را مراعات نمیکند. جواب اینست که از بالا دستور داده اند این اجازه را ندهیم. محمد و عبدالله به مادرشان میگویند به همه دنیا بگویند که بی گناه هستیم و برای ما گریه نکنید به اعدام و به این بی حقوقی ها اعتراض کنید.

بعد از این ملاقات و دقایقی

و بخشش برای تو و پدرم نوشته ایم و يك نامه به خدا، مستقم برای خدا نوشته ایم و سوالات خودمان را از او کرده ایم. به زندانبان گفتم نامه های فرزندام و را به من بدهید. گفتند اول باید ببینیم چه نوشته اند و کپی بگیریم و سپس تحویل میدهیم. این چه حکومتی است که از نامه دو فرزند من که دقیقه ای بعد آنها را اعدام میکنند، میترسد و این چه حکومتی است که وصیت نامه فرزندام را هم به من نداده است؟ وقتی فرزندمان مرا کشتند، و البته صحبت این بود که امروز چهار نفر دیگر را نیز اعدام کرده اند، آمبولانس حامل پیکرهای فرزندام را که حواستند بیرون بیاورند، مردان اسلحه به دست از جوانان و مردمی که دست خالی در آنجا جمع شده بودند و اشک میریختند، وحشت داشتند. من این وحشت را در چشمهای آنها می دیدم.

درگرامیداشت یاد فرزندان من شمع روشن کنید و به آرزوی دنیایی باشیم که زندانی نباشد. به امید اینکه دیگر در هیچ جای دنیا اعدامی نباشد. اعدام در سراسر دنیا باید خاتمه پیدا کند. در هیچ جای دنیا نباید شکنجه ای باشد. به امید اینکه اگر هم زندان و زندانی هست، زندانها برای تربیت و سازندگی باشد نه شکنجه و زورنمایی و قلداری يك مشت جنایتکار و قلدلر. انسان سازی و راهنمایی و کمک جای شکنجه و توهین و تحقیر را بگیرد.

کمیته بین المللی علیه اعدام
۱۷ مه ۲۰۱۱، ۲۷ اردیبهشت
۱۳۹۰

محکوم به اعدام گوش نمیدهند! پسرم گفت میخواهم مامانم را بغل کنم، دستم را باز کنید. نکردند گفتند قانون است. به پسرانم گفتند ببینید چه کشور قانونمندی داریم! گفتم من دستهایم را دور گردن شما می اندازم. من شما را بغل میکنم همانطور که از کودکی تا الان بغل تان میکردم.

ما سحرگاه امروز در مقابل در زندان اصفهان بودیم. جمعیتی که آنها را نمی شناختم در کنار من بودند و جوانان زیادی آرام آرام اشک میریختند. وقتی آخرین ملاقات انجام شد و نزد دوستانم برگشتم، همانهایی که بیرون در منتظر من بودند، همانهایی که اولین بار می دیدمشان، گفتم عزیزانم گریه نکنید. اینها ادعا میکنند که با کشتن دو فرزند من جامعه ایران پاك میشود و مشکلات از این جامعه رخت بر می بندد، پس خوشحال باشید که با قتل دو عزیز من قرار است آرامش به جامعه ایران بازگردد! قرار است دیگر کسی گرسنه سر بر بالین نگذارد و کسی شکنجه نشود! قرار است دیگر کسی از گرسنگی نمیرد! قرار است همه مصائب این جامعه که از سر و روی ما بالا می رود تمام بشود! به جوانانی که در سحرگاه خونین امروز اشک میریختند گفتم فرزندان من اولین قربانیان اینها نبودند اما امیدوارم آخرین قربانیان اعدام باشند.

یکبار دیگر میپرسم آیا نباید به آخرین خواست اعدامی ها توجه کرد؟ فرزندان من دو نامه نوشته اند که در حقیقت وصیت نامه آنها است. آنها به من گفتند مادر يك نامه عفو

این پیام دردناک است اما پر از روحیه است، پر از انسانیت است. پر از امید است. پیام مادری است که همین امروز دو عزیزش را از او گرفتند اما مادر داغ دیده مانند کوهی استوار ایستاده است. سطر به سطر این نامه در عین حال کيفرخواستی است علیه حکومت اسلامی. لطفاً وسیعاً توزیع کنید. به زبانهای مختلف ترجمه کنید و هرچه وسیعتر توزیع کنید. بگذار دنیا بداند این حکومت با مردم ایران چه میکند.

پیام مهوش عباسوندی مادر عبدالله و محمد فتحی
عمر ۲۷ اردیبهشت

اگر فرزندان من یکبار مردند، قاتلین و شکنجه گران و مسئولین این پرونده روزی صد بار خواهند مرد.

آنها روی آرامش را نخواهند دید مخصوصاً رحیمی و بهرامی و سرهنگ حسین زاده و حبیب الهی دادستان اصفهان. وقتی در مقابل دو پسرم قرار گرفتم و گفتم يك دقیقه وقت دارید آخرین ملاقات را انجام دهید به پسرانم گفتم سرتان را بالا بگیرید و با چشم باز بمیرید و به چشمهای آن کسی که طناب دار بر گردنتان می اندازد نگاه کنید.

سوال من این است که در کجای دنیا رسم است حتی اجازه ندهند مادر و فرزندان که قرار است اعدام شوند با خیال راحت همدیگر را در آغوش بگیرند. فرزندان من خواستند دستشان را باز کنند و يك لحظه مرا در آغوش بگیرند، گفتند نمیشود. در کجای دنیا به آخرین خواست

از صفحه ۵ سکینه محمدی آشتیانی...

کمیته بین المللی
علیه سنگسار

کمیته بین المللی علیه اعدام
۱۶ مه ۲۰۱۱
۲۶ اردیبهشت ۱۳۹۰

میکنیم که برای آزادی سکینه و هوتن کیان تلاش کنند و جمهوری اسلامی را تحت فشار قرار دهند.

کرده اند. ما یکبار دیگر از همه نهادهای بین المللی، از همه کسانی که در کمپین نجات سکینه سهیم و شریک بودند، دعوت

همکار نشریه ایسکرا: آوات فرخی

E-Mail: awat.farokhi@yahoo.com

مرگ بر جمهوری اسلامی، زنده باد جمهوری سوسیالیستی!